

بسم الله الرحمن الرحيم

همگام با حدیث شریف

عزل (برکنار نمودن) خلیفه

(ترجمه)

گفتند با ایشان نجنگیم، فرمودند، نخیر تا زمانی که نماز را برپا می‌دارند.

«عن ام سلمه رضی الله عنها ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ستکون امراء فتعرفون وتنکرون فمن عرف

فقد برئ ومن انکر سلم ولكن من رضی وتابع قالوا: افلانقاتلهم؟ قال لا ما صلوا» (شرح نووی بر صحیح مسلم)

ترجمه: از ام سلمه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: زود است که شما حاکمانی داشته باشید که آن‌ها را می‌شناسید و ناپسند می‌دانید؛ پس کسی که آن‌ها را بد دانست نجات یافت و کسی که ناراض بود، سالم ماند! بدا به حال کسی که راضی شد و از آن پیروی نمود؛ گفتند آیا با ایشان بجنگیم، فرمود نخیر تا مادامی که نماز را برپا می‌دارند.

این حدیث یک معجزه آشکاری از پیش‌گویی پیامبر صلی الله علیه وسلم است؛ چنانچه فرموده بود، اتفاق افتاد.

اما این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «فمن عرف فقد برئ» و در روایت دیگری چنین آمده است: «فمن کره فقد برئ» که ظاهراً و معنأً این مفهوم را می‌رساند؛ کسی که این حکام را بد بدانند، از گناه و عذابش نجات می‌یابد. این براءت در حق کسانیست که توان آن را ندارند که بادرست یا با زبان جلو منکر را بگیرند و با قلب خود نسبت به آن کراهت دارند. اما این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «فمن عرف فقد برئ» معنایش را الله بهتر می‌داند.

کسی که منکر را شناخت و از او پیروی نکرد، راه نجاتی از گناه و عذاب آن منکر برایش فراهم می‌شود، بوسیله این که آن منکر را بادرست و بزبانش تغییر می‌دهد و اگر توان این امر را نداشت، قلباً آن را بد می‌داند.

معنی این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم «ولکن من رضی وتابع» این است که گناه و عذاب منکر بر دوش آنانیست که راضی شدند و پیروی نمودند. این دلیلیست بر این که اگر کسی توان مقابله با منکر را ندارد، با سکوتش نیز گنهگار نمی‌شود؛ به شرطی که از منکر راضی نباشد و با قلب خود آن را بد بدانند و از او متابعت ننمایند. اما این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «افلانقاتلهم؟ قال: لا ما صلوا» به این معنی است که جایز نیست در مقابل خلفاء بخاطر ظلم و فسق شان بغاوت نماییم تا زمانی که احکام الله را تغییر ندهند.

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم اطاعت نمودن از خلیفه را در تمام اوقات بر امت واجب نموده است تا زمانی که احکام الله را تطبیق کند، و در اینجا مراد از ذکر نماز کنایه از حکم نمودن به اسلام است.

اگر خلیفه به احکام شریعت حکم ننماید، کافر شود و یا یک فسق علنی را انجام دهد، در این حالت بر مسلمانان لازم نیست که از وی اطاعت نمایند! دیگر جایز نیست که خلیفه بماند و باید عزل شود؛ زیرا یکی از شروط عقد را شکسته است که عبارت از اسلام و عدالت می‌باشد.

شروط هفت‌گانه عقد شروطی است که خلیفه همیشه باید آن‌ها را داشته باشد و زمانی که یکی از این شروط از بین رفت، خلیفه باید بر کنار شود. و هر حالتی که بر خلیفه پیش بیاید که باعث از بین رفتن یکی از این شروط شود مستحق عزل می‌باشد. و محکمه مظالم صلاحیت عزل خلیفه را دارد. دلیل این امر فرموده الله سبحانه و تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [نساء: 59]

ترجمه: ای اهل ایمان، فرمان الله و رسول و فرمانداران (از طرف الله و رسول) که از خود شما هستند، اطاعت کنید؛ پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد، آن را به حکم الله و رسول بازگردانید؛ اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود.

چنانچه در آیت فوق ذکر شده، نزاع بین مسلمانان و خلیفه باید توسط دین الله حل شود. مراد از دین الله یعنی قاضی می‌باشد و زمانی که تنازع با حاکم ظالم بود، بر کناری آن واجب است.

محکمه مظالم محکمه‌ای است که برکناری ظالمین حکم می‌کند و قاضی آن صاحب صلاحیت می‌باشد. وقتی که خلیفه یکی از شروط عقد را نداشت، بر کنار کردن آن لازم است و باید اول ثابت شود. محکمه مظالم صلاحیت اثبات حال خلیفه و برکنار نمودن آن را دارد.